

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

کابلی

۰۵ اپریل ۲۰۲۱

گُنبْد: یک حادثه و یک تجربه

در روزهای اخیر ، خبر مربوط به اذیت و آزار بدنی و جنسی ۲ کودک خردسال بیگناه در گُنبْد توسط یک پاسدار بازنشسته و برخورد مسامحه جویانه مقامات حکومتی با او و در همان حال سرکوب مردمی که با خواست مجازات متخلف به اعتراض برخاسته بودند، خشم و نفرت بحق مردم را در تمام کشور برانگیخته است. این رویداد همچنین بر یک تجربه مبارزاتی در جمهوری اسلامی مهر تأیید زد و آن این که قانون حاکم در این رژیم، اراده حاکمان است که این رژیم با دیکتاتوری عریان و به ضرب و زور زندان و دار و شکنجه و اعدام بر حیات مردم ستمدیده حاکم گردانده است.

روز یکشنبه اول فروردین [حمل] (۱۴۰۰) دو دختر خردسال ۷ و ۸ ساله در حال بازی در روستای "عرب سورنگ" مورد حمله سگی قرار گرفته و در وحشت از سگ مزبور به محل نگهداری سد گلستان که در همان محل قرار داشت پناه می برند. اما نگهبان که پاسداری بازنشسته بوده ، دختر بچه ها را مجبور به لخت شدن و رقصیدن می کند و قصد تعرض جنسی به آنها را داشته که هر دو دختر بچه در فرصتی فرار می کنند و خودشان را به خانه می رسانند. بعد از این که خانواده دو دختر بچه و بالطبع اهالی روستای "عرب سورنگ" در ترکمن صحرا از آنچه اتفاق افتاده اطلاع پیدا می کنند به محل نگهداری پاسدار بی همه چیز حمله کرده و در حالی که نامبرده را مورد ضرب و شتم قرار می دهند ، محل نگهداری را هم به آتش می کشند. با حضور نیرو های انتظامی تعدادی از اهالی دستگیر می شوند. در جریان این دستگیری ها، امام جمعه روستا و دهیار را نیز دستگیر می کنند.

به دنبال شکایت خانواده های دو دختر بچه ۷ و ۸ ساله از نگهبان سد گلستان ، مبنی بر قصد "تجاوز" به دختر بچه ها و آزار جنسی آنها، دادستان گنبْد کاووس اعلام می کند که چون "پزشکی قانونی موضوع تجاوز را رد کرده است"، بنابراین متهم به دادستانی احضار و پس از اخذ اظهاراتش، اتهام "آدم ربائی" به او تفهیم شده است. اما، این برخورد دادستانی و اعلام اتهام "آدم ربائی" در شرایطی که دختر بچه ها به این نگهبان پناه برده بودند و پزشک قانونی هم "آزار بدنی" را تأیید کرده باعث فوران خشم مردم می گردد. بر این مبنا اهالی روستای "عرب سورنگ" به اعتراض علیه دادستانی برخاستند و هنگامی که با تلاش نیروی انتظامی جهت جلوگیری از تجمع و اعتراض مردم مواجه شدند ، شیشه های خودروی پولیس را شکستند.

در ادامه اعتراضات مردم خشمگین، فراخوانی جهت تجمع در مقابل دادگستری گنبد کاووس برای روز سه شنبه سوم فروردین [حمل] داده شد. در این روز مردم به خیابان آمده و نسبت به این عمل ننگین اعتراض کردند. اما نیروی سرکوب جمهوری اسلامی که از شهر های نزدیک از جمله گرگان نیروی کمکی وارد کرده بود، وحشیانه مردم معترض را مورد حمله قرار داده و ضمن سرکوب آنها تعداد زیادی را دستگیر نمود.

جالب است که در حالی که اعتراض مردم در این رویداد بر سر آزار جنسی دو دختر بچه بوده، اما رسانه های رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی کوشیدند موضوع اعتراض را به بحث های "قومی" و "قبیله ای" و یا حتی "سنی" بودن مردم منطقه نسبت دهند. آنها با توسل به چنین ترفند و این شیوه مذموم تبلیغاتی تلاش نمودند که بر بحث اصلی مردم که فقدان امنیت و ضرورت دفاع از حقوق بدیهی کودکان و برخورد نادرست دادگستری با این موضوع بود، پرده ساطر بکشند. رسانه های حکومتی همچنین با این فریبکاری، کوشش کردند تا سرکوب وحشیانه مردم معترض و خواست حق طلبانه آنها را نیز ماستمالی کنند.

نگاهی به اعتراضات اخیر مردم در گنبد کاووس و برخورد خشونت آمیز نیرو های سرکوب جمهوری اسلامی با مردم معترض، بار دیگر نشان می دهد که دیکتاتوری حاکم هیچ اعتراض مسالمت آمیزی را تحمل نمی کند. نشان می دهد که در جامعه دیکتاتور زده ما، هر درخواست کوچک مربوط به تأمین امنیت اجتماعی و حقوقی و هر اعتراض ساده به قانون شکنی و خواست برقراری عدالت، سریعاً به دلیل برخورد وحشیانه حکومت به یک مسأله سیاسی و برخورد با پولیس و نیروی سرکوب تبدیل می گردد، حتی اگر این مسأله، فریاد اعتراض به تعرض جنسی یک پاسدار بازنشسته به دو دختر بچه ۷ و ۸ ساله باشد.

تجربه این رویداد یعنی سرکوب اعتراضات و مبارزات مردم گنبد کاووس و سنگ پرانی جوانان به سمت نیروی انتظامی و آتش زدن محل نگهبانی پاسدار مزبور، بار دیگر نشان داد که در جمهوری اسلامی انتظار یک برخورد قانونی حتی با متهمی که به آزار جنسی کودکان مبادرت کرده، انتظار عبثی است و با رژیمی که جز زبان زور نمی شناسد و جز با زبان زور سخن نمی گوید، باید همچون خودش با زور و قهر انقلابی سخن گفت. این تجربه در واقع نمونه ای از انبوه واقعیت ها و شواهد عینی می باشد که نشان می دهد که در جامعه ما که دیکتاتوری و اعمال قهر ضدانقلابی علیه توده ها با ذات سیستم سرمایه داری وابسته حاکم تنیده است، تنها با اعمال قهر انقلابی علیه قدرت حاکم جهت سرنگونی آن می توان انتظار پیروزی و رسیدن به خواسته های بحق خلق، مرکب از کارگران و زحمتکشان و اقشار مختلف تحت ستم در شهر و ده را داشت.

فروردین [حمل] ۱۴۰۰